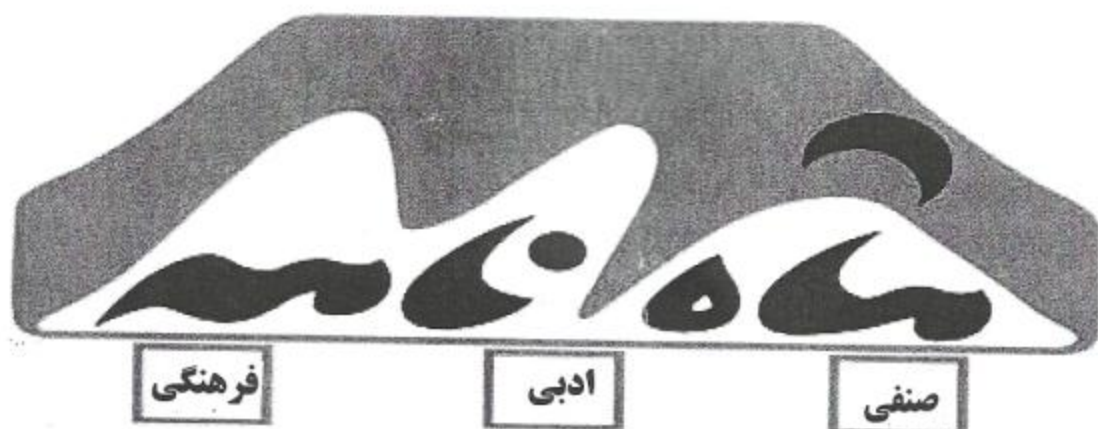




در این شماره می‌خوانید:
صورت جلسه ماه نوامبر ۲۰۱۴
شارلو صد ساله شد
چهره هائی از ایران
دانی قدر
شعری از فریدون مشیری
مردم ما در عصر قاجار
دیدار با یک عضو قدیمی
پاساژهای سرپوشیده پاریس

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه نوامبر ۲۰۱۴

جلسه عمومی انجمن در ماه نوامبر با توضیحاتی از طرف مسئول انجمن در رابطه با انتخابات هیئت مدیره سال آینده شروع شد. مسئول انجمن در باره روال همه ساله انتخابات و علت عدم استقبال همکاران و اعضای انجمن برای کاندیدا شدن هیئت مدیره سال بعد صحبت کرد:

۱ - ممکن است عدمای فکر کنند که کاندیدا شدن نوعی ابراز وجود کردن است و این با تواضع و فرهنگ ایرانی مغایرت دارد، یا اینکه رأی به اندازه کافی نیاورند.

۲ - عدمای تصور می کنند که بهر حال این انجمن بیست و اندی سال است که از قدمتش می گذرد و به همین منوال هم ادامه پیدا می کند. بودن یا نبودن آنها در هیئت مدیره فرقی نمی کند.

۳ - بعضی ها هم بر این تصورند که دیگران برای پیش بردن کارها هستند و انجمن را اداره می کنند. با این سه نظر می توانیم اینگونه برخورد کنیم:

۱ - وقتی خودتان را کاندید می کنید یعنی از اعتماد به نفس برخوردارید. این قدم کوچک، توانائی و انرژی را برای برداشتن گام های بزرگتر ایجاد می کند.

۲ - در این رابطه فکر می کنم که انجمن به خودی خود نمی تواند پیش برود. عدمای از همکاران ما که از بنیان گزاران این انجمن هستند، زحمت کشیده اند و دلسوزانه برای همیاری و حل مشکلات ایرانی هائی که بیست و سه سال پیش در این جامعه به نوعی پرتاب شده بودند، این انجمن را بنیاد نهادند.

در این رابطه توجه شما را به مطالبی که در جلسه قبل مسعود بیان کرد و بصورت مفصل در صورت جلسه نشریه ماهنامه آمده، جلب می کنم. مسعود روی سه نکته بسیار مهم انگشت گذاشته است که اهمیت اساسی در راهبرد انجمن دارد: احساس مسئولیت، اهمیت وقت گذاشتن برای رسیدن به یک هدف و صداقت.

صداقت را می توان به دو معنی استفاده کرد: الف) صداقت با خود و با دیگران. یعنی احترام به خود و احترام به دیگران.

ب) صداقت به مفهوم امانت داری. هر هیئت مدیره ای امانت دار ودیعه های اعضای انجمن است و موظف است که در حفظ این اموال بکوشد و از برقرار شدن روابط به جای ضوابط اجتناب کند که خوشبختانه تا به امروز این امر رعایت شده و قدمت این انجمن خود گواه مستحکمی بر این ادعاست.

موفقیت های انجمن برای رسیدن به اهدافی که در اساسنامه آمده است مختص فعالیت یک دوره هیئت مدیره نیست. مجموعه ای از فعالیت ها، ایده های هیئت مدیره هائی است که طی سال ها در انجمن فعالیت کرده اند، و به قول معروف هر کدام عطر و طعم خاص خودشان را افزوده اند و همچنین سال به سال بر تجربیات اعضای انجمن افزوده شده و بسیار اندوخته اند.

۳ - اما آنچه که امروز می خواهیم بگویم و در واقع روی سخنم بیشتر در رابطه با گروه سوم است. حتماً در این سال ها که در فرانسه زندگی می کنیم دو کلمه را به تکرار شنیده ایم. در هر تشکیلی اعم از کوچک و بزرگ، از خانواده گرفته تا تشکلهای صنفی، حزبی و انجمن ها و حتی خود جامعه در کلیت آن با دو مفهوم Le droit و Le devoir روبرو هستیم. ما بهمان اندازه که توقع داریم، بهمان اندازه هم در مقابل آن وظیفه داریم.

انجمن ما امروز علاوه بر اینکه توانائی حل مشکلات مالی همکاران را در حد توان خود دارد ولی تنها یک صندوق مالی باقی نمانده و دستاوردهای زیادی در زمینه های صنفی، فرهنگی، ادبی و هنری کسب کرده است، از جمله:

- ارتباطات باسندیکاها و مختلف در رابطه باشغل تا کسی و شرکت همه جانبه در اعتصابات و تظاهرات تا کسی ها.

- ارتباط با بانک ها و بیمه ها و رادیو G7.

- چاپ ماهنامه انجمن به همت هیئت تحریریه بطور منظم و مرتب هر ماه و پخش آن بین اعضا و همکاران.

- برگزاری جشن نوروز، روز زن، شب شعر، سخنرانی و شعرخوانی، موسیقی و نمایش فیلم و غیره. من توجه شما را به مقاله ای که محسن در رابطه با انتخابات نوشته جلب می کنم. نوشته او به نظر من نوعی بیداری وجدان است. او از «حق تعیین سرنوشت خود» صحبت می کند. حال این پرسش مطرح می شود که وظیفه ما در قبال تمام مزایائی که انجمن بر ایمان فراهم کرده چیست؟ و با عاریت گرفتن از ایده او به این سؤال پاسخ می دهیم: همانا شرکت کردن در تعیین سرنوشت انجمن است.

پس آیا تعیین سرنوشت انجمن نیاز به همکاری و دلسوزی بیشتر اعضای آن دارد یا نه؟

سپس مسئول انجمن خاطرنشان کرد بهتر است توجه بیشتری به اعضا و همکارانی که به علت بیماری در جلسات انجمن شرکت نمی کنند، توسط کلیه اعضا بشود. وی همچنین توضیح داد که امسال

سخنگوی هیئت مدیره اعلام کرد، اعضای محترمی که مایل به مطالعه این قوانین هستند می‌توانند یک نسخه فتوکپی این قوانین را از هیئت تحریریه درخواست کنند. موفق و پیروز باشید. هیئت تحریریه انجمن اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 63 00 10 67

XXXXXXXXXX

شارلو (Charlot) صد ساله شد

سال ۲۰۱۴ «شارلو» صد ساله شد. از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴ تا ۴ ژانویه ۲۰۱۵ به مناسبت صدمین سالگرد تولد «شارلو»، موزه الیزه لوزان (سوئیس) نمایشگاهی تحت عنوان «چاپلین در فاصله دو جنگ و صلح ۱۹۴۴-۱۹۱۴» برگزار کرده است. این نمایشگاه را براساس میراثی غنی (۱۰,۰۰۰) کلیشه فیلم که خانواده چارلی چاپلین در اختیار موزه قرار داده است) همچنین آرشیو خصوصی عکس‌های چارلی چاپلین، آلبومی از کمپانی کیستون Keystone، آرشیوهای خصوصی و آفیش‌های سینماتیک (cinémathèque) سوئیس تدارک دیده‌اند. در این نمایشگاه گزیده‌هایی از عکس‌هایی مربوط به دو جنگ جهانی اول و دوم از آرشیو خصوصی چارلی چاپلین نیز دیده می‌شود. از طریق این عکس‌ها و خلاصه فیلم‌ها، شخصیت سیاسی چاپلین به نمایش گذاشته می‌شود.

آلبوم کیستون حاوی ۲۹ فیلم کوتاه از ۳۶ فیلمی است که چاپلین طی سال ۱۹۱۴ برای کمپانی کیستون تهیه کرده است. از طریق این آلبوم با یکسال کار روز به روز چاپلین آشنا شده و اولین فیلم‌های خلق شخصیت «شارلو» را می‌بینید.

در سال ۱۹۱۵، زمزمه‌هایی انتقادآمیز بر علیه چارلی چاپلین برخاست که حاضر به خدمت در ارتش نیست. چارلی چاپلین به آمریکا مهاجرت کرد و در آنجا مستقر شد و تصمیم گرفت در سال ۱۹۱۸ فیلم تبلیغی کوتاهی علیه جنگ بسازد.

رشد فاشیسم در فاصله دو جنگ جهانی، ذهن چارلی چاپلین را بخود مشغول کرد، وجدان سیاسی‌اش تهییج شد و نگاهش به مسایل اقتصادی افزایش یافت. مجموعه این تعهدات به ساختن فیلمی کلیدی در آثار وی بنام «دیکتاتور» منجر شد. با ساختن این فیلم، چارلی چاپلین در قالب تراژدی، طنز و تمسخر موضع‌گیری‌های خود را در مقابل تاریخ نشان داد.

(۲۰۱۴) اعضای هیئت مدیره انجمن پس از چندین سال تأخیر (حدود ۱۰ سال) به Préfecture de Police رسماً معرفی شدند و گواهی آن به نام انجمن با ذکر اعضای هیئت مدیره سال ۲۰۱۴ به ثبت رسید، که امیدواریم این مسئله هر سال تکرار بشود و انجمن از تمام جهات قانونی و رسمی باشد.

یکی دیگر از دستاوردهای امسال انجمن مشکل یکی از اعضای انجمن با بیمه MFA بود که با توضیح و تذکر در نامه‌ای به این شرکت بیمه، توسط هیئت مدیره انجمن، خوشبختانه این مسئله حل شد و بیمه MFA با توجه به شناختی که از انجمن ما داشت، با پوزش و معذرت از این عضو به مسئله خاتمه داد.

پس از مسئول انجمن یکی از اعضای انجمن که بخاطر موقعیت خاص شخصی و مشکلات حاصله از تعمیرات ماشین جدیدش و همچنین چندین مسائل دیگر، دچار مشکل حادی با رادیو G7 شده بود، توضیحاتی داد. این مسئله با مشورت هیئت مدیره سندیکای FNTI و مداخله مستقیم مسئول این سندیکا، که با انجمن در ارتباط نزدیک است بطور مثبت حل شد و ایشان از مسئول این سندیکا تشکر فراوان کرد.

مرحله بعدی جلسه عمومی انجمن، اختصاص به معرفی کاندیداهای هیئت مدیره سال ۲۰۱۵ داشت. سخنگوی هیئت مدیره پس از توضیح مختصری در رابطه با انتخابات هیئت مدیره و مجمع عمومی در ماه دسامبر، از اعضای حاضر در جلسه تقاضا کرد که برای اداره مجمع عمومی چند نفری داوطلب بشوند که در حدود ۶ نفر از اعضای حاضر در جلسه مسئولیت اداره جلسه ماه دسامبر (مجمع عمومی) را قبول کردند.

سپس کاندیداهای هیئت مدیره مختصری در باره برنامه‌های آینده خود و انجمن و علت نامزدی خود ارائه دادند. ناگفته نماند که نامزدهای انتخاباتی هیئت مدیره در ماه دسامبر در مجمع عمومی یک بار دیگر به معرفی کامل خود و برنامه‌ها و طرح‌های آینده خود خواهند پرداخت.

سخنگوی انجمن یادآوری کرد که در مجمع عمومی اگر عضوی به هر دلیلی، حاضر در جلسه نبود می‌تواند به عضو دیگری وکالت دهد و هر عضو می‌تواند فقط وکیل دو عضو دیگر باشد.

در قسمت بحث آزاد به علت کمبود وقت و به طور خلاصه در باره قوانین جدید بین تاکسی‌ها و VTC توسط نماینده هیئت تحریریه توضیحاتی داده شد و

چهره‌هائی از ایران (Des visages d'Iran)

نام نمایشگاهی است که در طبقه آخر موزه الیزه لوزان (سویس) تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۴ از عکاسی بنام «ژیل پرس» (Gille Peress) دیده می‌شود. «ژیل پرس» در دوران انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) در تهران بسر می‌برده و معتقد است که عکس‌هائی که در روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شدند، شبیه به هم و تک‌صدائی هستند. او می‌افزاید: «آنچه که در حاشیه عکس‌ها و خارج از کادر عکاسی می‌گذشت، ذهن مرا به خود مشغول می‌کرد». از عکس‌های «ژیل پرس» در دوران انقلاب ایران کتابی بنام TelexIRAN تولد یافت.

زهره - نوامبر ۲۰۱۴

XXXXXXXXXX

دانی قدر

دوستان، ما ایرانی‌ها اصولاً آدم‌های قدرشناسی هستیم، ولی به طور کلی عادت‌مان اینست که قدرشناسی‌مان را با کمی اکراه یا حداقل با کمی تأخیر ابراز می‌کنیم! نمونه در این مبحث زیاد است، از پادشاهان تاریخی و وزرای دلسوزمان گرفته تا هنرمندان و عالمان و عارفان و... و از دوستان و فامیل و همسایه خوب‌مان گرفته تا همکار... که بحث بنده به این آخری مربوط می‌شود.

ماجرای قدردانی از مظفر و بحث‌هایی که در سطح انجمن مطرح شد اتفاق جالبی بود که می‌تواند هشداری باشد به ما که حواسمان باشد که هوای بچه‌های خوب را بیشتر داشته باشیم و مدام از شان قدردانی نکنیم. البته منظور من از بچه‌های خوب فقط کسانی نیستند که به انجمن خدمت کرده و می‌کنند، آن به جای خودش! خوب بودن در این دور و زمانه در وهله اول به نظر من خوش اخلاق بودن است، نه آدم‌هایی مثل بنده که از عالم و از آدم و از زندگی می‌نالند و از همه چیز انتقاد می‌کنند! از آدم‌هایی باید قدردانی شود که وجودشان، حضورشان، اخلاقشان به آدم انرژی مثبت می‌دهد. به قول یک عارف بزرگ: «خلق خوش بهترین نشان ظهور فرشته و تجلی بهشت در آدمی است».

من ندیدم در جهان جستجو

هیچ اهلیت به از خلق نکو

جوی خمر و جوی شهد و جوی شیر

نیست جز خلق لطیف و دلپذیر

فراتر از خلق خوب که خوشبختانه بسیاری از همکاران هموطن ما از آن برخوردارند، داشتن روحیه کمک به دیگران است که حتماً باید از طرف دیگران مورد قدرشناسی قرار گیرد. شاید بتوانم منظورم را با تعریف خاطره‌ای که چندی پیش برای خودم پیش آمد بهتر بیان کنم: مدت‌ها بود می‌خواستم کائوچوی برف پاک‌کن ماشینم را که از کمپانی خریده بودم عوض کنم ولی این کار را بلد نبودم. از بچه‌ها شنیدم باید به موسی روی آورم که هم وارد است و هم از روحیه خدمت به خلق برخوردار است! و همین نیز شد، موسی در هوای سرد و بارانی این کار را با روی خوش برایم انجام داد و حتی چند سی‌دی که به درد کار رانندگی می‌خورد بهم هدیه داد و... خوشبختانه در این مورد نیز بچه‌های خوب بسیارند. من به سهم خود از همه کسانی که از چنین روحیه‌ای برخوردارند از صمیم قلب سپاسگزارم و با اینکه می‌دانم اسم بردن چندان کار درستی نیست ولی نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم، به جز از موسی از فرشید به خاطر کمک‌های ریز و درشتش به همه، از جمله خود من، از عطا به خاطر کمک‌هایش در زمینه کامپیوتر، از امیر و احمدجان در مورد وام که به بچه‌ها یاری می‌دهند و از تورج که کارهای سندیکا را انجام می‌دهد و از دوستانی که در انجمن دست ما را می‌گیرند به سهم خودم قدردانی می‌کنم و امیدوارم آدم‌هایی مثل بنده که خیرشان به کسی نمی‌رسد از این دوستان یاد بگیرند و به این ضرب‌المثل خوب ایرانی فکر کنند که: «عبادت به جز خدمت خلق نیست...»

صفا

XXXXXXXXXX

شعری از زنده‌یاد فریدون مشیری

صحبت از پژمردن یک برگ نیست،

وای! جنگل را بیابان می‌کنند!

دست خون‌آلود را در پیش چشم خلق پنهان می‌کنند!

هیچ حیوانی به حیوانی نمی‌دارد روا،

آنچه این نامردمان با جان انسان می‌کنند!

صحبت از پژمردن یک برگ نیست،

فرض کن، مرگ قناری در قفس، هم مرگ نیست...

فرض کن، یک شاخه‌ی گل هم در جهان، هرگز

نرُست

فرض کن، جنگل بیابان بود، از روز نخست!

مربیان خصوصی یعنی «دایه» نگهداری می کردند و بعد از رسیدن به ۶-۷ سالگی در مکتب خانه های دایر در منازل خود تعلیم می دیدند. این مربیان در مواقع سفرها نیز همراه این خانواده ها بودند. در مکتب خانه ها علاوه بر قرآن، نهج البلاغه، صرف و نحو عربی، کتاب گلستان، ناسخ التواریخ و دیوان شعری دیگر نیز تدریس می شد.

جامعه روحانیون دوره قاجار در امور دینی فعال بودند. در هر شهر مسجدی متعلق به روحانی خاصی بود که در آن ضمن گزاردن نماز، به رفع مشکلات مذهبی مردم و رسیدگی به طلاب، موقوفات و سایر عواید می پرداخت. مراجع تقلید صاحب نفوذ و قدرت معنوی بودند و در تمام شئون مذهبی، سیاسی و اجتماعی دخالت تام داشتند و در جریان های سیاسی و اداری نیز رهبر و پیشوا بودند و نقش شان در بسیاری موارد از جمله قیام و اعتراضات، پراهمیت و مؤثر بود. طبقه وسیع و گسترده بعدی که بیش از هشتاد درصد مردم بود از بازرگانان، پیشه وران و صنعتگران تا بقال و قناد و آهنگر و سبزی فروش را در بر می گرفت. در باره پیشرفت صنایع باید گفت، استادان و هنرمندان دوره قاجار همچون اسلاف خود با خلق آثار بدیع نظر جهانیان را جلب می کردند. اما به دلیل عدم وجود ذوق هنری و علاقه و اهمیت شاهان قاجار به هنر دستی، این صنایع پیشرفت چندانی نکرد و ورود اجناس اروپایی با قیمت نازل توان رقابت را از صنعت کاران ایران گرفت. اوضاع کارگران نیز در کارخانه ها به دلیل مشکلات عدیده از جمله همان واردات اجناس خارجی با قیمت نازل و تعطیلی کارخانه ها رو به وخامت می گذاشت. مثلاً شهر اصفهان که زمانی بزرگ ترین مرکز صنعت بود بیشتر از شهرهای دیگر دچار فقر شد و دولتمردان را به چاره جویی و تکاپو واداشت. مردم عادی دیگر نیز در شهر به کارگری مشغول بودند و تقریباً همه کاری می کردند. در شهر به صورت کارگر برای گل سازی یا حمل آجر و با در باغ ها و مزارع فعالیت می کردند و ساعت کار هم نداشتند، از طلوع آفتاب تا غروب آن کار می کردند.

کشاورزان در آن دوره بیشتر از هر قشری مجبور به پرداخت مالیات بودند. بازرگانان که تنها قشر مرفه در میان مردم بودند، برای خود تشکیلات خاصی داشتند و در هر شهری دو سه نفر از بازرگانان معروف، سایر بازرگانان را سرپرستی می کردند که به طور غیررسمی و بدون دخالت دولت انتخاب می شدند. رؤسای آنها با دستگاه حکومتی ارتباط داشتند و اغلب کالاهای زیادی

در کویری سوت و کور...
در میان مردمی با این مصیبت ها، صبور...
صحبت از مرگ محبت، مرگ عشق،
گفتگو از مرگ انسانیت است!...

تهیه از سوسن

XXXXXXXXXX

مردم ما در عصر قاجار

جامعه ایران در دوره قاجار علی رغم تمدن و فرهنگ کهنسال دیرین، تقریباً یک جامعه قرون وسطایی با تعصبات شدید بود و مردم سخت پایبند آداب و سنن و رسوم ملی خود بوده و از هرگونه نفوذ و تأثیر شیوه جدید زندگی برکنار مانده بودند. نخستین پادشاه قاجار آقا محمدخان است که با سرنگونی حکومت زندیه با قدرت و شدت عمل سراسر ایران را زیر حکومت واحدی درآورد (در باره آقا محمدخان و کریم خان زند در آینده بیشتر خواهیم پرداخت). پس از آقا محمدخان جانشینانش به دلیل عدم لیاقت بخش های زیادی از خاک کشور ما را به تاراج دادند و امتیازات فراوانی به خارجیان داده شد. سیاست کشورهای اروپائی که در جهت منافع آنان بود و آداب و رسوم شان و ورود هیئت های سیاسی و لشکری و اقداماتی که برای اصلاح سپاه ایران صورت گرفت از یک سو و اثرات جنبش های رهایی بخش و رشد افکار نو در میان روشنفکران ایرانی بذر اندیشه های نو را در سرزمین ایران افشاند که نتیجه آن جنبش مشروطه و انقلاب مشروطه و تصویب قانون مشروطیت شد.

جامعه ایران در زمان قاجار شامل چند طبقه بود. طبقه مرفه، طبقه روحانیون، جامعه عامه مردم که اینها همه اریئه گذشته بود.

طبقات مرفه جزء طبقه حاکم به حساب می آمدند و نزدیکان دربار بودند شامل صدراعظم وزراء که از میان خانواده های اعیان و اشراف شهرهای مختلف به تهران آمده و یکی از افراد خانواده دارای شغل دولتی بود و سایر افراد خانواده به وسیله او تقاضای خود را به عرض دولت می رساندند. اغلب نیز این افراد بدون در نظر داشتن لیاقت و سن و سال به پست های مهم منصوب می شدند. این پست ها نیز موروثی بود. القاب مخصوص نیز برای این طبقه وجود داشت و نشان های دولتی در دوره قاجار از طرف شاه به آنها داده می شد، مثل «صاحب دیوان»، «مستوفی الممالک»، «منشی الممالک» و ازدواج نیز در این طبقه در میان خودشان بود... آنها فرزندان خود را نزد

جملگی تمایل داشتند که این جمع هرچه دیرتر از هم بگسلد. دل کندن از آن محیط برای اکثریت حاضرین سخت بود. قبل از اینکه محل اجتماع را هم ترک کنیم مظفر از همه برای حضورشان تشکر کرد. متقابلاً هم دوستان از او سپاسگزاری کردند. در مسیر حرکت به سمت وسائل نقلیه مان مظفر جویای نام داوطلبین هیئت مدیره سال آینده انجمن شد. توجه مظفر به انجمن نشان بر این بود که دل مظفر برای انجمن حسابی می‌تپد. این برخورد بسیار تحسین برانگیز بود، از همین رو چند تن از دوستان به مظفر پیشنهاد دادند که او هم در انتخابات ماه آینده داوطلب مدیریت انجمن بشود. آرزو می‌کنم که به این پیشنهاد، مظفر رأی مثبت بدهد.

دوستان و همکاران عزیز، تأسیس انجمن تاکسیران و ادامه روند تکامل آن سبب شده که بعد از ۲۲ سال اکثر اعضاء آن تبدیل به یک خانواده بزرگ بشوند، آنهم به شکل خانواده‌های سنتی سابق که پدر و مادر و بزرگان فامیل حامی کل اعضاء فامیل بودند و هوشیار آماده برای حل مشکلات و کمک به همه اعضاء خانواده.

در انجمن ما هم اعضاء خوشبختانه بارها و بارها نشان داده‌اند که عملکردشان حمایت، همکاری و همیاری بوده و می‌باشد و در بیست و دو سال گذشته شاهد بوده‌ایم که اعضاء نه تنها در جشن‌ها و روزهای خوشی بلکه در صورت بروز حوادث گوناگون و مشکلات برای هر عضو همه به مانند دانه‌های زنجیر متصل به هم و متحد حاضر بوده و بصورت دژی دست نیافتنی به مقابله و ستیز می‌پردازند. این عملکردها را می‌توان به حساب دستاوردهای انجمن گذاشت. ما شاهدیم که حلقه اعضاء انجمن روز بروز آبدیده‌تر و استوارتر می‌شود. دستاوردهای انجمن در پس سالیان دراز بی‌شمار بوده و هر ساله به مقدار آن افزوده می‌شود. نگارنده افتخار داشته و بخود می‌بالد که در این انجمن عضو می‌باشد و با صدایی رسا بانگ می‌زنند که انجمن تاکسیران یکی از دمکراتیک‌ترین سازمان‌ها می‌باشد و در حد خود نمونه و بی‌نظیر.

دوستان عزیز، مدتی بود که سعی می‌کردم فعالیتیم در انجمن کمرنگ باشد و قصد داشتم که رفته رفته قبای بازنشستگی را بپوشم ولی بعد یاد شعری افتادم که مرا به خود آورد:

قطره را تا که به دریا راه است

پیش صاحب نظران دریا است

را از اروپا وارد می‌کردند. آن‌ها شال و قالی و قالیچه و خشکبار صادر و در مقابل اشیاء تجملی بلور و چینی وارد می‌کردند. تجار به علت رونق داد و ستد در کشور از طبقات ثروتمند محسوب می‌شدند حتی گاهی دولت از آن‌ها قرض می‌گرفت.

در مورد قاجاریه، مطلب بسیار است ولی امکانات ما در نشریه محدود بوده ولی هر بار که بتوانیم در باره آن مطلبی بنویسیم از فرصت استفاده می‌کنیم و اشاره‌ای خواهیم کرد. چه بسا بالا رفتن شناخت ما از اوضاع اجتماعی قاجاریه به ما کمک خواهد کرد که دوران پهلوی را بیشتر شناخته و مسئولانه موشکافی کنیم و نیز مؤثر خواهد بود برای شناخت، برخورد و تحلیل نسبتاً صحیح از عصر حاضر.

موفق و پیروز باشید

داود

دیدار با یک عضو قدیمی

در روز سه‌شنبه ۱۱ نوامبر عده‌ای از اعضاء انجمن در رستوران به مدیریت دوستان مهدی برای دیدار با مظفر رفیق عزیز و عضو ارزشمند انجمن و یار غار همه اعضاء آن جمع شده بودیم. این گردهمایی با ایده حسین و فرشید و به همت حسین مادرشاهی و همکاری حمید ترتیب داده شده بود و جمعی از دوستان در ساعت ۱۳:۳۰ در رستوران حاضر بودند. مظفر هم در میان آنها. من حدود ساعت ۱۳:۴۰ رسیدم. اکثراً گرم صحبت بودند. مظفر هم در رأس میز نشسته و هاله‌ای از یاران به دور او. پس از احوال‌پرسی و خوش بش منمهم در گوشه‌ای از میز قرار گرفتم، بعد هم چند نفر دیگر به ما اضافه شدند. حدود ساعت ۲ تقریباً ۱۷ نفری بودیم شاید هم بیشتر. آقا مهدی مدیر رستوران هم حسابی مثل همیشه به ما رسید. جمع گرم با صفا و صمیمی‌ای بود. دیدار با مظفر فضای گرمی خالی از بغض و کینه و مملو از عشق و محبت در فضای رستوران بوجود آورده بود. همه ناهار خوبی میل کردند. چند تن از دوستان هم به سلامتی مظفر لبی تر نمودند. در آنروز هر کسی داستانی یا حکایتی تعریف می‌کرد. همه به نحوی احساس خوشی و نزدیکی می‌کردند. هر کسی فکر می‌کرد که از دیگری به مظفر نزدیک‌تر است. حدوداً تا ساعت ۴ بعد از ظهر در رستوران بودیم. مجلس به حدی گرم بود که کسی تمایل به رفتن سر کار نداشت. بالاخره لحظه خداحافظی فرارسید و همه با اکراه محیط رستوران را ترک کردند. سپس همگی در خیابان جمع شدند گویا ناخواسته

را در این پاساژها بگذرانند. دلیل دوم برای سرمایه‌گذاران محل مناسبی برای کاسبی بود و با انواع مختلف مغازه‌های شیک، سالن‌های چای‌خوری، شکلات و شیرینی‌فروشی، رستوران‌ها و حتی جاهای دنج و خلوت برای خوش‌گذرانی‌ها، از استقبال مشتریان برخوردار شدند. ناگفته نماند کاربرد تکنیک‌های جدید معماری با دکوراسیون‌های زیبا نیز جلوه خاصی به این پاساژها داده که باید وقت گذاشت و از نزدیک آنها را مشاهده و رؤیت کرد. در این فرصت وصف جزئیات تک تک این پاساژها نیست و ما به ذکر نام و محل و معرفی کوتاه آنان بسنده می‌کنیم.

این پاساژهای سرپوشیده که غالباً با عنوان گالری نیز از آنان یاد می‌شود اکثراً در چهار نقطه شهر متمرکزند:

- محله Palais Royal - گالری Véro-Dodat که اسم مالکین را دارد با عرض چهار متر و طول هشتاد متر در سال ۱۸۲۶ افتتاح شد و در محله یک پاریس ورودی آن از خیابان ژان ژاک روسو می‌باشد.

- گالری Vivienne و Colbert که به هم وصل‌اند بین سال‌های ۲۶-۱۸۲۳ ساخته شده‌اند. این دو با طول ۲۵۰ متر از گالری‌های زیبای پاریس همراه با مجسمه‌ها و سنگ‌فرش موزائیک رنگارنگ از خیابان Petits-Champs ورودی دارند.

- پاساژ Choiseul (۲۷-۱۸۲۵) با طول ۱۹۰ متر بین خیابان St-Augustin و Petits-Champs واقع شده است.

- پاساژهایی که روی گراند بلوارند: - پاساژ Panoramas (سال ۱۸۰۰) با طول ۱۳۳ متر جزو اولین پاساژهای پاریس است که در خیابان St-Marc در ناحیه دوم پاریس قرار دارد. در امتدادش یعنی آنطرف بلوار Montmartre پاساژ Jouffroy (۱۴۰ متر) و Faubg-Verdeau با طول ۷۵ متر به خیابان Montmartre ختم می‌شوند که در سال‌های ۱۸۴۶-۱۸۴۵ ساخته شده‌اند.

- پاساژهایی که در اطراف خیابان St-Denis میدان République قرار دارند. از آن جمله پاساژ Grand-Cerf (۱۱۷ متر) و پاساژ Bourg-L'Abbé با طول ۴۷ متر بین خیابان St-Denis و Dussoubs واقع شده‌اند.

پاساژ Caire (با طول ۳۶۰ متر) از خیابان St-Denis

قطره دریاست گر با دریاست

ورنه او قطره و دریا دریاست

گر ز دریا به کنار آید زود

بود آن قطره ناچیز که بود

در حال حاضر من قطره‌ای از دریای با عظمت و پرعشق انجمن می‌باشم. در صورت دور بودن و یا کنار ماندن از آن بصورت قطره‌ای خواهم بود که هر لحظه خطر هدر رفتن آن بیشتر خواهد بود و بنا به یک ضرب‌المثل چینی برای اینکه یک قطره آب هدر نرود باید به دریا پیوندند.

همکاران عزیز، قدر و منزلت این انجمن را بدانید که در نوع خود یگانه و بی‌نظیر می‌باشد. در ادامه فعالیت‌هایش کوشا باشید. دست‌آوردهای آن را برای دیگر همکاران تاکسی بازگو کنید و از آنها بخواهید که به جمع ما پیوندند. با بودن با ما هیچگاه تنها و بی‌دفاع در مقابل مشکلات بوجود آمده در محل کار، اجتماع، طبیعت و خانواده نمی‌باشند.

به امید موفقیت برای کلیه اعضای انجمن، موفق و پیروز باشید.

داود

XXXXXXXXXX

پاساژهای سرپوشیده پاریس

بنای پاساژهای سرپوشیده در پاریس، در واقع یک ابتکار معماری جدیدی بود که اکثراً در اواسط قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم رواج یافت. اکثریت این پاساژها در قسمت شمالی سن (Rive droite) و بخصوص در اطراف گراند بلوار که آنزمان منطقه گردش و تفریح بورژوازی پاریس بود ساخته شده‌اند. امروزه تقریباً هفده تا از این پاساژها فعال و در معرض گذر عابرین هستند.

در واقع ضرورت ساخت این پاساژها دو دلیل داشت. اول اینکه در این دوره ترافیک پاریس زیاد شده و با انواع و اقسام وسایل نقلیه روبرو بود و چون هنوز محل عابر پیاده مشخص نشده بود (پیدایش پیاده‌رو به سال ۱۸۸۲ برمی‌گردد) در نتیجه حرکت و گردش پیاده‌روها در میان وسایل نقلیه همواره با مشکلات و تصادف همراه بود و برای کسانی که علاقمند به گردش و تفریح بودند غالباً با موانعی مواجه بودند، در نتیجه پیدایش این پاساژها محل مناسبی بود بدور از شلوغی و باد و باران، بخصوص برای جلب قشر مرفه که اوقات خود

ASSEMBLÉE GÉNÉRALE ASSOCIATION TAXIRAN

دعوت به مجمع عمومی

انجمن تاکسیران

Lundi 08 décembre 2014 à 19 h 00

دوشنبه ۸ دسامبر سال ۲۰۱۴ ساعت ۱۹:۰۰

اعضای محترم انجمن تاکسیران

مجمع عمومی سالیانه انجمن تاکسیران برای انتخابات هیئت مدیره سال آینده ۲۰۱۵، دوشنبه ۸ دسامبر، در رستوران الهام، تشکیل می شود. حضور هر چه بیشتر شما در این جلسه فوق العاده باعث رشد و پویائی و اعتماد و اطمینان به انجمن شده و موجب پیشرفت اهداف فرهنگی، ادبی و هنری و مخصوصاً صنفی انجمن تاکسیران می شود. هیئت مدیره انجمن از کلیه اعضای عزیز تقاضا می کند که در این جلسه حتماً شرکت کنند.

- اعضای محترمی که به هر علت، معذور از شرکت در این جلسه هستند می توانند به عضو دیگری و کالت دهند هر عضو میتواند فقط وکیل دو نفر باشد.

- رأی گیری رأس ساعت ۲۰:۰۰ انجام می گیرد. از اعضای عزیز خواهشمندیم که رأس ساعت ۱۹:۰۰ در جلسه حضور یابند.

- هر عضوی می تواند حداکثر به ۵ نامزد انتخاباتی هیئت مدیره رأی دهد. برگه هایی که بیشتر از ۵ نفر علامت خورده باشند باطل می گردد.

اسامی نامزدهای انتخابات هیئت مدیره سال ۲۰۱۵

۱ - مظفر	ادب
۲ - خسرو	اسدی
۳ - سعید	بادارنگ
۴ - محسن	بهرامی
۵ - داود	ثابت
۶ - خانم فتانه	زرشناس
۷ - مهدی	ساجدی
۸ - محسن	عراقی نواز
۹ - محسن	کرم زاده
۱۰ - ساسان	محسنی
۱۱ - علی	محمدی

و Caire ورودی دارد. در سال ۱۷۹۸ افتتاح شده که گویا برای بزرگداشت فتح مصر بوسیله ناپلئون این عنوان بدان منسوب است.

از پاساژهای دیگر این محله باید به پاساژ Ponceau (۹۲ متر) بین بلوار St-Denis و Sébastopole و Prado (۱۲۰ متر) اشاره کرد که در آن بیشتر پارچه فروشان ساکن بودند در محله دهم قرار دارد.

پاساژ معروف Brady (اسم مالک) که بوسیله بلوار Sébastopole قطع شده (۲۸-۱۸۲۷) دارای دو بخش سرپوشیده و سر باز است.

و بالاخره پاساژهای کوچک دیگر به نام Madeleine (۱۸۴۵)، Vendome (۱۸۲۷)، Puteau (۱۸۳۹) (واقع در محله هشتم خیابان Arcade) را شاهدیم که جلوه و زینت خاصی به این شهر داده اند. ناگفته نماند پاساژهای زیادی با خیابان کشی و مدرنیزاسیون پاریس از بین رفته اند، در عوض پاساژهای جدی از جمله در خیابان شانزلیزه و مراکز خرید و فروشگاه های بزرگ در قرن بیستم بوجود آمده اند.

بهر حال این پاساژهای قدیمی بصورت پیدا و پنهان گوشه ای از زیبایی و جذابیت پاریس را تشکیل می دهند به زحماتش می ارزد برای گریز از ترافیک شهر و به بهانه قهوه خوردن و قدم زدن گاهگاهی به این بازارچه ها وارد شد زیرا که حال و هوای خاصی دارند و دنیای دیگری است.

رسول

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می باشد.

دوستان و همکاران محترم برای دریافت اطلاعات در رابطه با حرفه تاکسی و ماهنامه انجمن تاکسیران می توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

<http://lnega.free.fr>